

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

تحفه‌ای از گنجینه‌ی معارف امام حسن علیه السلام

میلاد امام مجتبی علیه السلام در قلب شهرالله قرار گرفته است. روز بسیار خجسته‌ای است. تنها نقلی که در مورد تولد امام مجتبی علیه السلام وجود دارد همین نیمه‌ی ماه مبارک رمضان است. امام حلم، امام کرم، امام لطافت، امام دوستی و محبت؛ نخستین فرد از سلاله‌ی فاطمه‌ی زهرا و علی مرتضی علیه السلام و فرزندی که نخستین ظهور تأویل **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ**^۱ بود.

روایات بسیار زیادی از امام مجتبی علیه السلام وجود دارد؛ چند نمونه از فرمایشات حضرت را می‌خوانم:

حدیث اول:

حضرت فرمودند: **عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ!** بر شما باد به تفکر! یکی از وظایف سالک الی‌الله فکر است. با تأثیر حیرت‌آور **تَفَكَّرْ سَاعَةً أَفْضَلَ** یا **خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ** (ستین سنه):^۲ امام مجتبی علیه السلام می‌فرمایند: **عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ!** بر شما باد به اندیشیدن! به تفکر کردن! **فَإِنَّهُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ**: چرا که اندیشه و تفکر مایه‌ی زنده شدن دل انسان اهل بصیرت است. اگر می‌خواهید دلتان زنده شود، حیات طیبه‌ی قلبی پیدا کنید، راهش

۱. سوره‌ی کوثر، آیه‌ی ۱.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳؛ عبّاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۲۰۸ و فیض‌کاشانی، تفسیرصافی، ج ۱، ص ۴۰۹.

اندیشیدن و بهره بردن از این نیروی فکری است که خدا روزی شما کرده است. **وَ مَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ:**^۳ و اندیشه و تفکر کلیدهای درهای حکمت است؛ نه کلید در حکمت؛ بلکه کلیدهای درهای حکمت! یعنی اگر می‌خواهید از تمام ابواب حکمت بتوانید وارد شوید و به حکمت دست یابید، به کلید تفکر و اندیشه نیازمندید. پس بر شما باد به اندیشیدن، به فکر کردن. گاهی اوقات انسان سال‌های متمادی کاری را تکرار می‌کند و بعد هنگامی که می‌اندیشد، می‌فهمد کارش ایراد داشته یا اقلش این است که کارش، کار ناقصی بوده و می‌شد کار ارزشمندتر، ثمربخش‌تر، پرسودتر و نافع‌تری انجام داد. این‌همه سال در زمینه‌ای سرمایه‌گذاری کرده که سود بسیار اندکی نصیبش کرده است. بنابر حدیث اولی‌الالباب، انسان با اندیشه می‌تواند به عشق الهی راه پیدا کند و از آن رهگذر مراتب سلوک الی‌الله را طی کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: **إِنَّ أَوْلَى الْأَبْوَابِ الَّذِينَ عَمِلُوا بِالْفِكْرَةِ حَتَّى وَرِثُوا مِنْهُ حُبَّ اللَّهِ؛** صاحبان خردهای ناب کسانی هستند که فکر خودشان را به کار انداختند و از اندیشیدن، محبت و عشق الهی را بهره بردند و بعد به مدد عشق الهی راه سلوک و منازل سلوک را یکی بعد از دیگری پشت سر گذاردند تا به مقصد رسیدند.

حدیث دوم:

دومین فرمایشی که از امام مجتبی علیه السلام می‌خوانم این است که حضرت فرمودند: **مَا فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أَحَدٍ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَخَزَنَ عَنْهُ بَابَ الْإِجَابَةِ** خدای عزوجل باب درخواست از خودش را بر روی بنده‌ای نگشود مگر اینکه حتماً در اجابت را باز کرد. محال است خدای متعال باب درخواست را به روی بنده‌ای بگشاید و بعد در اجابت را بر او ببندد و از او دریغ کند. **وَ لَا فَتَحَ الرَّجُلُ بَابَ عَمَلٍ فَخَزَنَ عَنْهُ**

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵ و دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۲۹۷

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۳؛ بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۶۸۵ و محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، الخاتمه ج ۹، ص ۲۴۵.

باب الْقَبُولِ و هیچ رادمردی در عمل را به روی خویش نگشود و دست به عمل و تلاش و مجاهدت نزد که در پی آن خدای متعال باب قبول و پذیرفتن آن عمل را بر او بسته باشد. خدا هنگامی که توفیق عمل می‌دهد، پذیرش آن عمل هم تضمین شده است؛ لذا نباید تردید کرد. اگر عمل را به خودمان نسبت می‌دهیم جا دارد که اصلاً از همان اوّل باور کنیم که مفت نمی‌ارزد؛ اما اگر عمل را به خدا نسبت می‌دهیم و می‌گوییم خدا این عمل را به دست من جاری کرد، خدا توفیق انجام این عمل را به من داد، اگر عمل خیری است، [در مقبولیت آن تردید نکنیم؛ چون قطعاً کار خداست]. **مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ**^۵؛ اگر عمل حسنه است یقیناً از خداست؛ به خود نسبت نده؛ که اگر به خود نسبت دادی خراب کردی؛ اما اگر به خدا نسبت دادی و گفتی خدا این عمل خیر را به دست من جاری کرد، توفیق الهی سبب شد که این عمل را انجام دهم، دیگر در مقبولیت آن تردید نکن. محال است انسانی در عمل را بگشاید و خدا باب پذیرش و قبول آن عمل را بر او ببندد. **وَ لَا فَتْحَ لِعَبْدٍ بَابِ شُكْرِ فَخَزَنَ عَنْهُ بَابُ الْمَزِيدِ**^۶ و محال است خدای متعال باب شکر را به روی بنده‌ای بگشاید، و توفیق سپاسگزاری و شکر را به او عنایت کند، اما در پی آن باب افزونی و اضافه کردن آن نعمت را به روی او ببندد. اگر به کسی توفیق شکر از جانب خدا عطا شد، یقیناً زیادتی و افزونی نعمت در پی خواهد بود.

حدیث سوم:

۵. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۹.
 ۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۳؛ محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۱۶۱ و ابن‌اشعث، محمدبن‌محمد، الجعفریات، ص ۲۲۲. (این حدیث، به‌جز بحارالانوار، در منابع دیگر منسوب به پیغمبراکرم است.)

بنابه نقل امام مجتبیٰ علیه السلام فرمودند: **مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ**: هرکس خدا را بشناسد، و معرفت به خدا پیدا کند، یقیناً به خدا دل می‌بازد و دوستدار و عاشق و شیدای خدای متعال می‌شود. اگر در کسی عشق الهی ظهور نکرده برای این است که آن موجود دوست‌داشتنی را نشناخته؛ مگر می‌شود او را شناخت و دل به او نباخت؟! بنابراین هرکه خدا را شناخت عاشق خدا شد. **وَ مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا**: و هرکس حقیقت زشت و پلشت دنیا را شناخت قطعاً نسبت به آن بی‌رغبت خواهد شد. آنهایی که دل به دنیا سپردند، دل به دنیا دادند و دل به دنیا باختند، به این دلیل است که حقیقت و ماهیت آن را نشناختند. اگر کسی واقعیت دنیا را بشناسد، از پشت این بزرگ دروغین، چهره‌ی کریه و نفرت‌انگیز آن را ببیند، محال است به آن رغبتی داشته باشد. پس هرکس دنیا را بشناسد بی‌رغبتی به دنیا را پیشه خواهد کرد. **وَ الْمُؤْمِنُ لَا يَلْهُو حَتَّى يَغْفُلَ**: و مؤمن محال است به لهو و کارهای پوچ و بیهوده مشغول شود، مگر زمانی که دچار غفلت شده باشد. و الا محال است انسان، آگاه و هشیار باشد و حاضر باشد خودش را به چیزهای پوچ، بی‌ارزش و لهو و لعب مشغول کند و عمر گرانبها را صرف آنها کند. **فَإِذَا تَفَكَّرَ حَزِنَ**^۷: به محض اینکه می‌اندیشد و متوجه می‌شود و از غفلت بیرون می‌آید، غصه‌دار می‌شود که چرا من عمرم را با این لهو و لعب‌ها و چیزهایی که هیچ فایده‌ای نداشت هدر دادم که ذره‌ای مرا به هدف بزرگ آفرینش، به محبوب و معشوق ازلی و ابدی خودم نزدیک نمی‌کرد. وقتی به خودش می‌آید و متوجه می‌شود، غصه‌دار می‌شود.

حدیث چهارم:

حضرت فرمودند: **الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَ إِنَّ بَعْدَ نَسَبِهِ**: می‌دانید خویشاوند نزدیک انسان کیست؟ کسی که پیوند محبت و دوستی بین او و انسان برقرار است؛ ولو اینکه نسب و پیوند نژادی انسان با او

۷. ورام‌بن ابی فراس، مجموعه‌ی ورام، ج ۱، ص ۲۲۴.

دور باشد. واقعاً از هر خویشاوندی به هم نزدیک‌ترند، ولو صورت ظاهر هیچ نقطه‌ی مشترک فامیلی و نژادی بین افراد نباشد. کدام فامیل تا این حد صمیمی و یگانه است؟ لذا فرمودند نزدیک کیست؟ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ: کسی که با دوستی و محبت این نزدیکی را ایجاد کرده باشد. وَ إِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ: ولو اینکه از نظر نسب و نژاد دور باشند. وَ الْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَ إِنْ قَرَّبَ نَسَبُهُ: چه کسی از انسان خیلی دور است؟ کسی که همان عامل دوستی، سبب دوری ما از او شده است؛ یعنی دشمن دوست من که با همه‌ی وجود از او دورم، دشمن خداست؛ دشمن پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، دشمن قرآن، دشمن فضیلت‌ها، معنویت و پاکی‌هاست؛ ولو خویشاوند نزدیک من باشد، پدر من باشد، مادر من باشد، خواهران و برادران من باشند، عمّه و عمو و دایی و خاله و پدربزرگ و مادربزرگ من باشند. وَ الْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَ إِنْ قَرَّبَ نَسَبُهُ: ^۸بعید و دور کسی است که مودت و دوستی، این بُعد و دوری را بین ما و او ایجاد کرده باشد؛ ولو از نظر نژاد و نسل بسیار هم نزدیک باشد الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ: ^۹قرآن راجع به قیامت فرمود: أَخْلَاءُ، دوستان جانی و خلّص، فردای قیامت با هم دشمنند، جز اهل تقوا. فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ: ^{۱۰}روز قیامت این پیوندهای نژادی و نسلی بین افراد وجود ندارد؛ همه فراموش و محو می‌شود. فردای قیامت آن حسب و نسب ایمانی است که نسبت بین افراد را مشخص می‌کند و معلوم می‌شود که چه کسی پدر کیست؟ چه کسی فرزند کیست؟ این رابطه‌ها را ایمان و عشق به پیامبر و خاندان پیامبر برقرار و مشخص می‌کند.

حدیث پنجم:

۸. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۴۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۶ و ابن شعبه‌ی حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۴.

۹. -سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۶۷.

۱۰. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۰۱.

حضرت بنابه نقل فرمودند: **الشُّرُوعُ (التَّبَرُّعُ) بِالْمَعْرُوفِ وَ الْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ مِنْ أَكْبَرِ السُّؤُدِ:**^{۱۱} از بزرگترین شرافت‌ها و آقایی‌ها آن است که انسان قبل از درخواست شخص، در ابتدا به او خوبی، نیکی و عطا کند؛ یعنی فردی که آقا و شریف است به شخص نیازمند اجازه نمی‌دهد که ابراز نیاز و طرح درخواست کند؛ نمی‌خواهد شکستگی و خواری ابراز نیازمندی و درخواست را در چهره‌ی فرد نیازمند ببیند؛ لذا پیش از اینکه طرح نیاز و بیان درخواست کند، او آغاز به نیکی و عطا می‌کند و این توصیف خُلق زیبا و عظیم خود امام مجتبی علیه السلام است که این‌گونه بودند، و ماجراهای فراوانی در این زمینه از امام مجتبی علیه السلام نقل شده است.

حدیث ششم:

حضرت فرمودند: **مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَبَدَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ:**^{۱۲} هر کس عبد و بنده‌ی خدا شود، تن به بندگی خدا دهد، بندگی خدا را پیشه کند، خدای متعال همه‌چیز عالم را عبد او می‌کند و به فرمان او درمی‌آورد؛ همه‌چیز عالم تحت اراده‌ی او درمی‌آید، و بنده‌ی مطیع و فرمانبر او می‌شوند؛ چون او بنده‌ی مطیع و فرمانبر پروردگار شد. لذا کسی که به حقیقت عبودیت نائل می‌شود، به حقیقت ربوبیت نائل شده است. **الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ:**^{۱۳} عبودیت جوهره و گوهری است که کنه آن ربوبیت است. تن به بندگی خدا بده و آن‌وقت فرمانروای همه‌ی عالم شو؛ همه‌ی ذرات عالم وجود تحت اراده‌ی تو درمی‌آید.

۱۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۸۹؛ بحرانی، مدینه معجز، ج ۳، ص ۴۱۶ و اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۶۵.

۱۲. ورام‌بن‌ابی‌فراس، مجموعه‌ی ورام، ج ۲، ص ۱۰۸؛ منسوب به امام عسکری علیه السلام، التفسیر، ص ۳۲۷ و بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۸۴.

۱۳. منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۷؛ عروسی‌خویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۵۶ و فیض‌کاشانی، تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۶۵.

حدیث هفتم:

بنابه نقل حضرت فرمودند: **مَنْ اتَّكَلَّ عَلَى حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ مِنَ اللَّهِ لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ أَنْهُ فِي غَيْرِ الْحَالِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ لَهُ:**^{۱۴} چقدر عارفانه و زیباست! فرمودند: هرکس به حسن انتخاب خداوند اتکا کند، حالتی غیر از آنچه خدا برای او برگزیده و پیش آورده تمنا و آرزو نمی‌کند؛ یعنی کسی این معرفت را داشته باشد که هرچه برای او پیش می‌آید کار خداست، انتخاب‌ها، گزینش‌ها و تقدیرهای الهی است و به این خدای همه‌کاره هم حسن‌ظن داشته باشد و خوش‌گمان باشد، چنین فردی به حسن انتخاب خدا اعتماد می‌کند. وقتی به حسن انتخاب خدا اعتماد کرد، یعنی آنچه خدا در زندگی پیش آورده را با تعبیر نیک پذیرا شد، می‌داند خدا العیاذبالله بخیل نبود که کاری بهتر از این می‌شد برای او بکند و نکرده باشد. ضعیف نبود، جاهل و فقیر نبود؛ لذا بهترین را برای او برگزیده است. وقتی فرد یقین کرد که شرایطی که الان در آن قرار دارم، بهترین گزینه برای رشد، تعالی و تکامل و نیل من به هدف خلقتم است، آیا آرزوی بودن در حالت دیگری را خواهد کرد؟ یعنی آرزو کند حالتی که به این اندازه خوب نیست یا حالتی که بد است برایش پیش بیاید؟ محال است! لذا انسان عارف که به حسن انتخاب‌های خدا برای خودش یقین دارد، آرزوی هیچ حال دیگری جز همان حالی که در آن هست را نخواهد کرد. این است که نقل شده که پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در همه‌ی عمرشان حتی یک‌بار نفرمودند ای کاش؛ یعنی آرزوی حالت دیگری را نکردند که این برخاسته از همین دیدگاه و احساس است.

۱۴. ابن شعبه‌ی حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۳، ص ۱۵۶ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص

امیدوارم خدای متعال از این معارف بلند امام مجتبی علیه السلام ما را بهره‌مند کند و این آموزه‌ها را بر جان و دل و همه‌ی وجود ما حاکم کند تا ما به آن نقطه‌ای که خود حضرت می‌خواستند شیعیان‌شان را برسانند نائل شویم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ